

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه تاریخ

پایان نامه دکتری رشته تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی

**تحلیل تاریخی جریان های فکری اصفهان از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار
(۱۱۳۵-۱۲۱۰ ه.ق / ۱۷۲۳-۱۷۹۷ م)**

استادان راهنما:

دکتر مرتضی دهقان نژاد

دکتر لقمان دهقان نیبری

استاد مشاور:

دکتر مرتضی نورائی

پژوهشگر:

سید احمد عقیلی

آذر ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع
این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات
گروه تاریخ

پایان نامه دکتری رشته‌ی تاریخ گرایش ایران اسلامی آقای سید احمد عقیلی

تحت عنوان

**تحلیل تاریخی جریان‌های فکری اصفهان از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار
(۱۲۱۰-۱۱۳۵ق/۱۷۹۷-۱۷۲۳م)**

در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۳۰ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

- | | | | |
|-------|-----------------------------|-------------------------|------------------------|
| امضاء | ۱- استاد راهنمای پایان‌نامه | دکتر مرتضی دهقان نژاد | با مرتبه علمی دانشیار |
| امضاء | ۲- استاد راهنمای پایان‌نامه | دکتر لقمان دهقان نیری | با مرتبه علمی دانشیار |
| امضاء | ۳- استاد مشاور پایان‌نامه | دکتر مرتضی نورایی | با مرتبه علمی دانشیار |
| امضاء | ۴- استاد داور داخل گروه | دکتر علی کرباسی زاده | با مرتبه علمی استادیار |
| امضاء | ۵- استاد داور داخل گروه | دکتر علی اکبر کجیاف | با مرتبه علمی استادیار |
| امضاء | ۶- استاد داور خارج از گروه | دکتر داوود اصفهانیان | با مرتبه علمی استاد |
| امضاء | ۷- استاد داور خارج از گروه | دکتر عبدالرسول خیراندیش | با مرتبه علمی دانشیار |

امضای مدیر گروه

تشکر و سپاس

« قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا » (طه/۱۱۴)

حمد و سپاس :

سپاس خداوند متعال را که به بنده‌اش توفیق کسب علم و انجام عمل صالح داد.

سلام و صلوات:

بر خاتم انبیاء (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت او (علیهم السلام)

تشکر و سپاس:

از استادانم:

آقای دکتر اصغر منتظرالقائم به جهت تشویق در انجام این رساله

آقای دکتر مرتضی دهقان نژاد جهت راهنمایی‌ها و حمایت‌های بزرگوارانه‌اش

آقای دکتر لقمان دهقان‌نیری و آقای دکتر مرتضی نورایی جهت

راهنمایی‌هایشان

آقای دکتر علی کرباسی‌زاده جهت تذکرات و نکته‌سنجی‌های بسیار

ارزشمندشان

این اثر را تقدیم می‌کنم:

به خانواده خوب و مهربانم

که با دعا، صبر و دلسوزیشان

تشویق و همراهی‌ام نموده‌اند

نام و نام خانوادگی: سید احمد عقیلی

مقطع تحصیلی: دکتر

رشته و گرایش: تاریخ ایران - دوره اسلامی

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

استاد راهنما: دکتر مرتضی دهقان نژاد و دکتر لقمان دهقان نیری

استاد مشاور: دکتر مرتضی نورائی

تحلیل تاریخی جریان‌های فکری اصفهان از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار (۱۱۳۵-۱۲۱۰ ق. / ۱۷۲۳-۱۷۹۷ م)

تاریخ دفاع: ۱۳۸۹/۹/۳۰

اوضاع اصفهان از سقوط اصفهان تا برآمدن قاجار (۱۱۳۵ - ۱۲۱۰ ق) و حوادث مربوط به آن از زوایای مختلف دارای اهمیت و قابل بحث و بررسی می باشد. اصفهان پس از هجوم افغانه غلزی و ادامه آشوب های سیاسی در دوران پس از آن، با پدیده مهاجرت علما و فقها به عتبات و سایر کشورها مواجه گردید. این احتمال وجود داشت که اوضاع سیاسی پر هرج و مرج این دوره زمینه فروپاشی کامل جریان های فکری برجسته روزگار صفویه در دوره پس از سقوط را موجب شود. اگر حضور علما، ادبا، فقها و حکمای برجسته در اصفهان این دوره نبود، این خطر وجود داشت که با شروع دوره قاجار میراث گرانبهای دوره صفویه به دوران قاجار منتقل نگردد. توجه به احوال، آثار و اندیشه های بزرگان اصفهان این دوره موضوع اصلی پژوهش این رساله است.

جریان های فکری اصفهان این دوره در واقع حلقه ارتباطی جریان های فکری عصر صفویه به دوران قاجار است. بر این اساس پس از شرح حوادث و رویدادهای سیاسی که در اصفهان این دوره گذشت، به بررسی سه جریان فکری مهم اصفهان قرن دوازدهم ق. پرداخته می شود. جریان فقهی این دوره به دوران تسلط مکتب اخباری گری بر فقه اصولی شناخته می شود. بررسی ویژگی های هر دو مکتب اخباری و اصولی طی قرن دوازدهم و بزرگان فکری این دو مکتب در اصفهان این دوره؛ آثار و اندیشه های آنان؛ تأثیرات فکری هر دو جریان به تفصیل در جریان فقهی اصفهان مورد بررسی و تشریح قرار می گیرد.

فراز و نشیب و سرنوشت مکتب فلسفی اصفهان پس از سقوط صفویه از دیگر جریان های فکری این دوره است. بهترین دستاورد مکتب فلسفی اصفهان ایجاد و شکل گیری حکمت متعالیه است که توسط ملاصدرا مرحله تدوین اصول و مبانی آن انجام گرفت. اما این جریان فلسفی مهم در دوره حیات ملاصدرا و تا پنجاه سال پس از فوت وی همچنان در انزوا و رکود باقی ماند. این انزوا و عدم توجه به اندیشه های صدرایی و حکمت متعالیه به لحاظ تاریخی از اواخر عصر صفویه تا دوران حکومت کریم خان زند ادامه می یابد. در این دوره توسط آقا محمد بیدآبادی (فوت ۱۱۹۸ ق) اندیشه های حکمت متعالیه مورد توجه قرار گرفته و توسط بزرگ ترین شاگرد او ملاعلی نوری که معاصر با آغاز عصر قاجار است، این اندیشه فلسفی به عنوان جریان فلسفی مسلط و غالب، در حوزه فلسفه اسلامی مطرح می گردد.

شرح حیات تصوف که از ارکان اصلی تشکیل دولت صفویه بود و در اواخر این سلسله مورد کم لطفی شاهان صفوی قرار گرفت، از دیگر جریان های فکری این دوره است. این جریان پس از سقوط صفویه می توانست از این فرصت تاریخی برای احیای خود استفاده کند. اما شرایط سیاسی زمانه به خصوص نظام حاکمیت این مجال را به جریان تصوف نداد.

کلیدواژه ها: اصفهان، اخباری گرا، اصولیان، حکمت متعالیه، تصوف، نعمت اللهی، ذهبیه.

چکیده

اوضاع اصفهان از سقوط اصفهان تا برآمدن قاجار (۱۱۳۵ - ۱۲۱۰ ق) و حوادث مربوط به آن از زوایای مختلف دارای اهمیت و قابل بحث و بررسی می باشد. اصفهان پس از هجوم افغانه غلزایی و ادامه آشوب های سیاسی در دوران پس از آن، با پدیده مهاجرت علما و فقها به عتبات و سایر کشورها مواجه گردید. این احتمال وجود داشت که اوضاع سیاسی پر هرج و مرج این دوره زمینه فروپاشی کامل جریان های فکری برجسته روزگار صفویه در دوره پس از سقوط راموجب شود. اگر حضور علما، ادبا، فقها و حکمای برجسته در اصفهان این دوره نبود، این خطر وجود داشت که با شروع دوره قاجار میراث گرانبهای دوره صفویه به دوران قاجار منتقل نگردد. توجه به احوال، آثار و اندیشه های بزرگان اصفهان این دوره موضوع اصلی پژوهش این رساله است.

جریان های فکری اصفهان این دوره در واقع حلقه ارتباطی جریان های فکری عصر صفویه به دوران قاجار است. بر این اساس پس از شرح حوادث و رویدادهای سیاسی که در اصفهان این دوره گذشت، به بررسی سه جریان فکری مهم اصفهان قرن دوازدهم ق. پرداخته می شود. جریان فقهی این دوره به دوران تسلط مکتب اخباری گری بر فقه اصولی شناخته می شود. بررسی ویژگی های هر دو مکتب اخباری و اصولی طی قرن دوازدهم و بزرگان فکری این دو مکتب در اصفهان این دوره؛ آثار و اندیشه های آنان؛ تأثیرات فکری هر دو جریان به تفصیل در جریان فقهی اصفهان مورد بررسی و تشریح قرار می گیرد.

فراز و نشیب و سرنوشت مکتب فلسفی اصفهان پس از سقوط صفویه از دیگر جریان های فکری این دوره است. بهترین دستاورد مکتب فلسفی اصفهان ایجاد و شکل گیری حکمت متعالیه است که توسط ملاصدرا مرحله تدوین اصول و مبانی آن انجام گرفت. اما این جریان فلسفی مهم در دوره حیات ملاصدرا و تا پنجاه سال پس از فوت وی همچنان در انزوا و رکود باقی ماند. این انزوا و عدم توجه به اندیشه های صدرایی و حکمت متعالیه به لحاظ تاریخی از اواخر عصر صفویه تا دوران حکومت کریم خان زند ادامه می یابد. در این دوره توسط آقا محمد بیدآبادی (فوت ۱۱۹۸ ق) اندیشه های حکمت متعالیه مورد توجه قرار گرفته و توسط بزرگ ترین شاگرد او ملاعلی نوری که معاصر با آغاز عصر قاجار است، این اندیشه فلسفی به عنوان جریان فلسفی مسلط و غالب، در حوزه فلسفه اسلامی مطرح می گردد.

شرح حیات تصوف که از ارکان اصلی تشکیل دولت صفویه بود و در اواخر این سلسله مورد کم لطفی شاهان صفوی قرار گرفت، از دیگر جریان های فکری این دوره است. این جریان پس از سقوط صفویه می توانست از این فرصت تاریخی برای احیای خود استفاده کند. اما شرایط سیاسی زمانه به خصوص نظام حاکمیت این مجال را به جریان تصوف نداد.

کلیدواژه ها: اصفهان، اخباری گرا، اصولیان، حکمت متعالیه، تصوف، نعمت الهی، ذهبیه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول : کلیات	
۱-۱- شرح و بیان مساله.....	۱
۲-۱- پیشینه و تاریخچه موضوع	۴
۳-۱- اهداف تحقیق.....	۵
۴-۱- اهمیت و ارزش تحقیق.....	۶
۵-۱- کاربرد نتایج تحقیق.....	۷
۶-۱- پرسشها و فرضیه های تحقیق.....	۷
۷-۱- روش تحقیق.....	۸
۸-۱- شناخت ، نقد و بررسی منابع.....	۹
۱-۸-۱- منابع و مآخذ تحقیقاتی.....	۲۶
فصل دوم : اوضاع سیاسی اصفهان بین سال های ۱۱۳۵ تا ۱۲۱۰ ق	
۱-۲- شاه سلطان حسین و سقوط دولت صفوی.....	۳۳
۲-۲- شورش غلزایی های قندهار و سقوط اصفهان.....	۳۴
۳-۲- اصفهان در دوران افغانه (۱۱۳۵-۱۱۴۲ ق / ۱۷۲۲-۱۷۲۹ م).....	۳۷
۴-۲- اصفهان در دوران افشاریه (۱۱۴۲-۱۱۷۳ ق / ۱۷۲۹-۱۷۶۱ م).....	۳۹
۵-۲- اصفهان در دوران زندیه (۱۱۷۳-۱۲۱۰ ق / ۱۷۶۱-۱۷۹۵ م).....	۴۵
نتیجه.....	۵۵
فصل سوم : جریان فقهی اصفهان بین سال های ۱۱۳۵ تا ۱۲۱۰ ق	
۱-۳- مدخل.....	۵۶
۲-۳- جریان فقهی اصفهان از ۱۱۳۵ تا ۱۲۱۰ ق در تقسیم بندی ادوار فقه شیعه.....	۶۰
۳-۳- ارزیابی طبقه بندی های فقهی با در نظر گرفتن چند تذکر مهم.....	۶۲
۴-۳- اخباری گرایان.....	۶۴
۱-۴-۳- پیدایش مجدد واندیشه های موسس طریقه.....	۶۵
۲-۴-۳- نکات وشاخصه های قابل توجه در اندیشه اخباری گری.....	۶۷
۳-۴-۳- موارد اختلاف میان اخباری گرایان و اصولیان.....	۶۸

۳-۴-۴- زمينه های تاريخی نفوذ و گسترش اندیشه های اخباری گری در ايران پس از سقوط صفويه ۶۹	
۳-۴-۵- اخباری گرایان اصفهان از ۱۱۳۵ تا ۱۲۱۰ ق.....	۷۳
۳-۴-۵-۱- اخباری گرایان تندرو و متعصب.....	۷۴
۳-۴-۵-۱-۱- شيخ عبدالله سماهيجی.....	۷۵
۳-۴-۵-۲- اخباری گرایان میانه رو و معتدل.....	۷۹
۳-۴-۵-۲-۱- ملا اسماعیل خواجویی.....	۸۲
۳-۴-۵-۲-۲- آقا محمد بيد آبادی.....	۸۷
۳-۴-۵-۳-۲- ميرمحمد حسين خاتون آبادی.....	۸۹
۳-۴-۵-۴-۲- ميرمحمد خاتون آبادی.....	۹۱
۳-۴-۵-۵-۲- ميرعبدالباقي بن ميرمحمد حسين خاتون آبادی.....	۹۱
۳-۵-۵- اصوليان.....	۹۲
۳-۵-۱- نگرش عالم اخباری گرا و اصولی به سياست.....	۹۴
۳-۵-۲- اصوليان اصفهان از ۱۱۳۵ تا ۱۲۱۰ ق.....	۹۸
۳-۵-۲-۱- فاضل اصفهانی.....	۹۸
۳-۵-۲-۲- مير محمد حسين خاتون آبادی.....	۱۰۱
۳-۵-۳-۲- وحيد بهبهانی.....	۱۰۲
۳-۵-۴-۲- ملا علی اکبر اژه ای.....	۱۰۴
۳-۵-۳- ویژگی های جریان اصولی در قرن دوازدهم.....	۱۰۷
۳-۶- ویژگی ها و خطوط اصلی جریان فقهی اصفهان از سقوط صفويه تا برآمدن قاجار.....	۱۱۰
نتیجه.....	۱۱۴

فصل چهارم : جریان فلسفی اصفهان بين سال های ۱۱۳۵ تا ۱۲۱۰ ق

۴-۱- مدخل.....	۱۱۸
۴-۲- وجه تسميه و پیشینه مکتب فلسفی اصفهان.....	۱۱۹
۴-۳- فضای تاريخی شکل گیری مکتب فلسفی اصفهان.....	۱۲۱
۴-۴- ویژگی های اصلی مکتب فلسفی اصفهان.....	۱۲۱
۴-۵- چالش ها و موانع پیش روی مکتب فلسفی اصفهان.....	۱۲۵
۴-۶- مشرب فلسفی حکيم تبریزی و پیامدهای اندیشه ای این مکتب.....	۱۲۸

۷-۴- وجوه اشتراک و افتراق دو جریان حکمت صدرایی و حکمت تبریزی.....	۱۳۰
۸-۴- ملاصدرا؛ حکمت متعالیه و سیر تاریخی آن پس از فوت وی.....	۱۳۳
۹-۴- حکمای مکتب فلسفی اصفهان از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار.....	۱۳۷
۱-۹-۴- ملاصادق اردستانی.....	۱۳۷
۲-۹-۴- علامه فاضل اصفهانی.....	۱۳۹
۳-۹-۴- میرزا محمد تقی الماسی.....	۱۴۲
۴-۹-۴- میر سید حسن طالقانی.....	۱۴۳
۵-۹-۴- ملا اسماعیل خواجویی.....	۱۴۴
۶-۹-۴- ملا محمد نعیم طالقانی.....	۱۴۸
۷-۹-۴- آقامحمدبیدآبادی.....	۱۵۰
۸-۹-۴- میرزا محمد علی بن میرزا مظفر اصفهانی.....	۱۵۴
۹-۹-۴- میر ابوالقاسم خاتون آبادی.....	۱۵۵
۱۰-۹-۴- ملا مصطفی قمشه ای.....	۱۵۶
۱۱-۹-۴- ملا محراب گیلانی.....	۱۵۷
۱۲-۹-۴- محمد باقر نواب لاهیجی.....	۱۵۸
۱۳-۹-۴- ملا علی نوری.....	۱۵۹
نتیجه.....	۱۶۲

فصل پنجم: جریان تصوف اصفهان بین سال های ۱۱۳۵ تا ۱۲۱۰ ق

۱-۵- جریان تصوف در اواخر صفویه تا عزل شاه طهماسب دوم.....	۱۶۷
۲-۵- جریان تصوف در دوران افغانان و افشاریه.....	۱۶۹
۳-۵- جریان عرفان یا تصوف حقیقی از اواخر عصر صفویه به بعد.....	۱۷۳
۴-۵- جریان تصوف در دوران زندیه.....	۱۷۸
۱-۴-۵- رشد و استقرار سلسله ذهبیه.....	۱۷۹
۱-۴-۵- سید قطب الدین محمد نیریزی و پاره ای از اندیشه های او.....	۱۸۳
۲-۴-۵- بازگشت نعمت اللهیان و احیای این سلسله صوفیه در ایران.....	۱۸۶
۱-۲-۴-۵- روابط طریقت نعمت اللهی با نهاد دین و دولت در عصر زندیان.....	۱۸۹
۵-۵- بررسی علل مخالفت متشرعان با صوفیان.....	۱۹۴

صفحه

عنوان

۱۹۷	نتیجه.....
۱۹۹	نتیجه و جمع بندی نهائی.....
۲۰۴	پی نوشت ها.....
۲۱۵	منابع و مآخذ.....

پیشگفتار:

دوره تاریخی هفتاد و پنج ساله بین سقوط اصفهان تا برآمدن قاجار، از نظر سیاسی، سه حکومت غلزاری ها، افشاریه و زندیه تاریخ سیاسی اصفهان و ایران را رقم زدند. حوادث این دوره از دیدگاههای مختلف به ویژه تاریخ نگاری محلی قابل توجه است. ویژگی تاریخ نگاری محلی در آن است که چون آگاهی هایش منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی خاص است، به همین جهت در مقایسه با تاریخ های عمومی، اطلاعات و آگاهی های دقیق و گاه منحصر به فردی از شهرها و مناطق مختلف آن در زمینه تراجم احوال، صاحبان اندیشه آن شهر، نظام های فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن ارائه می دهد.

در این پژوهش به تحلیل تاریخی جریان های فکری اصفهان از سقوط صفویه تا ظهور قاجار پرداخته می شود. دوره ای که یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین دوران های تاریخی ایران محسوب و مدخل ورود به تاریخ معاصر ایران و در تاریخ اصفهان به عنوان مقدمه تاریخ معاصر اصفهان مطرح است. به جرات می توان ادعا نمود که بخش مهمی از تحولات ایران در قرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی) ریشه در تحولات قرن دوازدهم به خصوص پس از سقوط صفویه داشته است. لذا شناخت جریان های فکری این دوره می تواند پاسخ گوی بسیاری از نکته ها و زوایای مبهم جریان های فکری دوره معاصر باشد. مقوله های مرتبط با این جریان ها (مانند حیات تصوف، جریان فلسفی حاکم و وضعیت فقهی) و طرح بسیاری از سوالات دیگر می تواند دست مایه تحقیقات و پژوهش های بعدی گردد. به همین جهت در این پژوهش با ارائه تفسیر و تحلیلی از جریان های فکری اصفهان این دوره، تلاش بر آن است تا بخشی از تاریخ ایران که کمتر مورد توجه محققین بوده است مورد بررسی قرار گیرد. هرچند این موضوع از زوایای مختلف فلسفی، ادبی، عرفانی و فقهی آن هم به صورت جسته و گریخته مورد بررسی قرار گرفته است، اما بررسی تاریخی این جریان ها تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

از دیدگاه تحقیق حاضر جریان های فکری پس از سقوط صفویه علی رغم تأثیری که در تاریخ اندیشه ایران داشته اند مورد کنکاش و دقت نظر قرار نگرفته است. سوالاتی از این قبیل که جایگاه اصفهان در این برهه زمانی پر آشوب چگونه بوده؟ اینکه جریان های فکری مهم دوره صفویه در دوره پس از سقوط صفویه چه سرنوشتی داشته اند؟ نظام سیاسی حاکم چه تأثیری بر این جریان ها داشته است؟ صاحبان اندیشه اصفهان این دوره چه جایگاهی در تاریخ علمی و فکری ایران داشته اند؟ اصول مهم اندیشه ای هر کدام از آنها چه بوده؟ و مهمتر از همه جریان های فکری این دوره چه تأثیری در جریان فکری پس از دوران خود داشته اند؟ مسائلی است که ذهن هر پژوهشگر را به خود مشغول می کند.

بر این اساس رساله در پنج فصل تنظیم و تدوین گردیده است. فصل اول به کلیاتی در مورد اهداف، اهمیت موضوع، پرسش ها، فرضیه ها، روش تحقیق، نقد منابع و مأخذ می پردازد. شرح مسئله پژوهشی از محورهای مهم این فصل و همچنین در بررسی منابع و مأخذ تنها به ذکر منابع تاریخی اکتفا نگردیده و منابع حوزه های دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است.

فصل دوم به عنوان اولین مرحله این پژوهش به بررسی حیات سیاسی اصفهان در خلال سال های ۱۱۳۵ تا ۱۲۱۰ ق می پردازد. در این فصل سعی شده است حوادث و تحولات سیاسی مهم و تأثیرگذار حاکمیت سیاسی بر اوضاع و احوال

مردم این شهر از لابلای متون تاریخی به تصویر کشیده شود تا به این طریق بتوان تا حدودی با اوضاع و احوال شهر اصفهان در این دوره آگاه گردید. بدون تردید طرز نگرش حاکمیت سیاسی در حضور و بروز جریان های فکری نقش بسیار تعیین کننده ای را داراست.

در فصل سوم اولین جریان فکری اصفهان پس از سقوط صفویه مورد بررسی قرار گرفته است. جریان فقهی اصفهان این دوره، جریانی است که از دوران شاه عباس اول صفوی (سلطنت ۹۹۶-۱۰۳۸ ق) شکل گرفته و در اواخر عصر صفوی ویژگی خاصی را داراست. این جریان پس از سقوط صفویه در قالب دو جریان فقهی اخباری و اصولی قابل تفسیر و تحلیل است. ویژگی هر مکتب و بزرگان مطرح در آن مکتب که در اصفهان صاحب اثر و اندیشه بوده اند در این فصل مورد بررسی قرار گرفته شده است.

در فصل چهارم یکی از مهمترین جریان های فکری اصفهان یعنی جریان فلسفی اصفهان در قرن دوازدهم ق مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. سیر مکتب فلسفی اصفهان عصر صفویه، از مسایلی است که کمتر مورد توجه محققین بوده و تلاش بر آن بوده که خط سیر مکتب فلسفی اصفهان از زمان درگذشت مؤسسين این مکتب که معاصر با اوج قدرت صفویه است، تا ابتدای قرن سیزدهم مورد بازسازی و تشریح قرار گیرد.

فصل پنجم به جریان سوم موجود در اصفهان یعنی تصوف می پردازد. این تفکر به عنوان یکی از ارکان اساسی تشکیل دولت صفوی در اواخر این سلسله مورد کم مهری شاهان صفوی قرار گرفت. این جریان پس از سقوط صفویه می توانست از این فرصت تاریخی برای احیای خود استفاده کند. اما شرایط سیاسی زمانه به خصوص نظام حاکمیت این مجال را به این جریان نداد. دوره زندیه شاهد حضور صوفیان در عرصه سیاسی و فکری است که بررسی این حضور از مباحث دیگر این پژوهش است.

براین اساس، شناخت جریان های فکری اصفهان این دوره، زیربنایی مهم در شناخت جریان های فکری ایران در دوران قاجار محسوب می شود. به همین جهت تلاش بر آن است که با دقت جریان های فکری در اصفهان قرن دوازدهم مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد تا با شناخت این مباحث پایه ای بتوان حلقه ارتباطی جریان های فکری دوره صفویه به قاجار را به هم پیوند داد. بازسازی و ترسیم جریان های فکری این دوره که حکم این حلقه ارتباطی را دارند به خوبی نشان دهنده اهمیت این موضوع تاریخی بوده و در تبیین تاریخ ایران می تواند کمک شایانی بنماید.

فصل اول:

کلیات

در این فصل ضمن توضیح شرح و بیان مسأله، اهداف و اهمیت، پرسش ها و فرضیه ها، روش تحقیق، منابع مورد استفاده اعم از تاریخی و غیر تاریخی مورد بررسی و نقد قرار می گیرد و محورهای مطرح شده در رساله تبیین می گردد.

۱-۱- شرح و بیان مسأله:

اوضاع اصفهان در فاصله سال های ۱۱۳۵ تا ۱۲۱۰ ق. یعنی از سقوط اصفهان تا بر آمدن قاجار و حوادث مربوط به آن از زوایای مختلف اهمیت فراوان دارد و قابل بحث و بررسی است. زیرا این حوادث پایه و اساس تحولاتی را بنا نهاد که حیات فکری، سیاسی، اجتماعی مردم اصفهان را در ابتدای قرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی) تشکیل می دهد. بررسی جریان های فکری اصفهان در این دوران از مهمترین موضوعاتی است که می تواند به عنوان یک پژوهش تاریخی نو و ابتکاری مورد توجه قرار گیرد. علی رغم نقش تعیین کننده این جریان ها در شکل دهی و شناخت جریان های فکری دوره قاجار، با این حال این جریان مورد بررسی تاریخی قرار نگرفته اند و محققان هر رشته از دیدگاه فکری خویش (فلسفه، فقه، عرفان) به موضوع نگریسته اند.

تضعیف موقعیت سیاسی اصفهان پس از سقوط صفویه نه تنها در عرصه سیاسی بلکه در جایگاه علمی و فکری این شهر تحولاتی راموجب گردید. اصفهان که مرکز علوم و دانش های ایران در دوران صفویه بود، پس از هجوم افغانه غلزایی و ادامه آشوب های سیاسی در دوران پس از آن، با پدیده مهاجرت علما و فقها به عتبات و سایر کشورها مواجه گردید. این احتمال وجود داشت که اوضاع سیاسی پر هرج و مرج این دوره زمینه فروپاشی کامل جریان های فکری برجسته روزگار صفویه در دوره پس از سقوط راموجب شود. اگر حضور علما، ادبا، فقها و حکمای برجسته در اصفهان این دوره نبود، این خطر وجود داشت که با شروع دوره قاجار میراث گرانبهای دوره صفویه به دوران قاجار منتقل نگردد. به همین جهت توجه به احوال، آثار و اندیشه های بزرگان اصفهان در این دوره از محورهای مهم پژوهشی این رساله است.

در ابتدا تعریف دو واژه که تقریباً در تمام صفحات این رساله با آن مواجهیم ضروری به نظر می رسد.

جریان (Stream): عبارت است از تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که علاوه بر مبنای فکری از نوعی رفتار ویژه نیز برخوردار می باشد. بنابر این به یک اندیشه نظام مند در یک تشکل اجتماعی لفظ جریان اطلاق می شود. پس مهمترین ویژگی یک جریان داشتن جمعیت و به عبارت بهتر "اجتماعی بودن" آن است. اندیشه مشخص، رفتار معین و مرتبط با آن اندیشه، ویژگی های دیگر یک جریان است. جریان را حداقل می توان با چهار دسته فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تقسیم بندی کرد. (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۹)

جریان فکری (Stream of thought): اجتماعی است برخوردار از اندیشه ای خاص. مبانی اندیشه آن ممکن است رویکرد فلسفی، فقهی، عرفانی داشته باشد. چنین اجتماع اندیشه ای در سیر تاریخی و به مرور زمان تغییر و تحولاتی را در خود شاهد است. (همان: ۱۰ و ۱۱)

لذا با توجه به ضرورت شناخت جریان های تاریخی مهم و اثر گذاری که ایران پس از سقوط صفویه در خود دید، لذا در این رساله به بیان مؤلفه های تاریخی مانند اصول و مبانی اندیشه، شخصیت های اصلی و تأثیر گذار، محتوای جریان و نقد و بررسی آن پرداخته می شود.

هر چند آشفته گی سیاسی باعث مهاجرت علما از پایتخت صفویه گردید، اما جریان های فکری در این شهر علی رغم رکود و ضعف به حیات خود ادامه دادند و جالب آنکه برخی از این جریان ها در همین دوره احیاء و بازسازی گردید. جریان های فکری اصفهان این دوره در واقع حلقه ارتباطی و زنجیره اتصال جریان های فکری عصر صفویه به دوران قاجار است. بر این اساس پس از شرح حوادث و رویدادهای سیاسی که در اصفهان این دوره گذشت، به بررسی سه جریان فکری مهم اصفهان قرن دوازدهم ق. پرداخته می شود. نخست از جریان فقهی

سخن به میان می‌آید. در تاریخ فقه امامیه، این دوره به دوران غلبه مکتب اخباری‌گری بر فقه اصولی شناخته می‌شود. اواخر این دوره با ظهور علامه محمد باقر بهبهانی مشهور به «وحید بهبهانی» اصولی معروف این دوره که به مجدد قرن دوازدهم ملقب گردیده است، شکست مکتب اخباری‌گری در مقابل اصولیان پدید آمد. علامه بهبهانی با مناظرات، مباحثات، تألیفات، تدریس و تربیت شاگردان برجسته توانست مکتب اصولی را از نو زنده کند و جانی دوباره به حیات فقه امامیه در دوره مصادف با اواخر عصر کریم خان زند ببخشد. بررسی ویژگی‌های هر دو مکتب اخباری و اصولی طی قرن دوازدهم و بزرگان فکری این دو مکتب در اصفهان این دوره، آثار و اندیشه‌های آنان، تأثیرات فکری هر دو جریان از مسائلی است که به تفصیل در جریان فقهی اصفهان مورد بررسی و تشریح قرار می‌گیرد.

از فراز و نشیب و سرنوشت مکتب فلسفی اصفهان پس از سقوط صفویه در فصل چهارم تحت عنوان جریان فلسفی اصفهان در این دوران سخن خواهیم گفت. بهترین دستاورد مکتب فلسفی اصفهان ایجاد و شکل‌گیری حکمت متعالیه است که توسط ملاصدرا مرحله تدوین اصول و مبانی آن انجام گرفت. اما این جریان فلسفی مهم در دوره حیات ملاصدرا و تا پنجاه سال پس از فوت وی همچنان در انزوا و رکود باقی ماند. این انزوا و عدم توجه به اندیشه‌های صدرایی و حکمت متعالیه به لحاظ تاریخی از اواخر عصر صفویه تا دوران حکومت کریم خان زند ادامه یافت. در این دوره اندیشه‌های حکمت متعالیه توسط آقا محمد بیدآبادی (فوت ۱۱۹۸ ق) مورد توجه قرار گرفته و توسط بزرگ‌ترین شاگرد او ملاعلی نوری که معاصر با آغاز عصر قاجار است، این اندیشه فلسفی به عنوان جریان فلسفی مسلط و غالب، در حوزه فلسفه اسلامی مطرح شد.

از دوره ملاعلی نوری به بعد بیشتر حکما و فلاسفه اسلامی تا دوره معاصر متمایل به این مکتب فلسفی بوده و هستند. شرح و بیان این جریان فکری از محورهای مهم این پژوهش است.

در فصل پنجم این رساله به شرح حیات تصوف که از ارکان اصلی تشکیل دولت صفویه بود و در اواخر این سلسله مورد کم‌لطفی شاهان صفوی قرار گرفت، پرداخته می‌شود. تصوف می‌توانست پس از سقوط صفویه به تثبیت جایگاه از دست رفته خود بپردازد. اما به جهت نظام حاکمیت سیاسی افغانه و افشاریه این فرصت برای آنان فراهم نگردید. در دوران کریم خان زند با پدید آمدن امنیت و آرامش نسبی، شاهد حضور و احیاء تصوف در صحنه جامعه می‌باشیم. دو سلسله مهم ذهبیه و نعمت‌اللهی در این دوران رشد و گسترش یافت. به ویژه با مهاجرت و بازگشت معصوم علیشاه دکنی از هند به ایران که در شیراز و اصفهان حضور یافت، سلسله نعمت‌اللهیه از رونق و قدرت زیادی برخوردار گردید. اما همین استقبال و گرایش مردم به آنها موجبات ترس نهاد دین و دولت را فراهم کرد و ناگزیر به برخورد با این جریان گردیدند. علاوه بر این از گرایش عرفانی علما، فلاسفه

وفقه‌های این دوره نیز باید سخن گفت که به دورا زهر گونه گرایش سیاسی، عرفان و ذوق خاص خود را داشتند و اشاره به این جریان، ضروری واز نکات مهم مطرح شده در این فصل است.

۱-۲- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق:

منابع تاریخی دوران افشار و زندیه به وضعیت پایتخت صفویه در دوران پس از سقوط این سلسله اشاراتی نموده اند. از مطالب آنان صرفاً می‌توان به حوادث و وقایع سیاسی جاری بر این شهر در دوره تاریخی مورد بحث آشنا گردید. از این منظر در تمامی منابع دست اول درباره حیات سیاسی اصفهان این دوره می‌توان اطلاعاتی را کسب نمود.

با این حال چون ابعاد و محورهای مختلفی اعم از فلسفی، فقهی، عرفانی در این رساله مورد توجه قرار گرفته است؛ در منابع تاریخی صرف، مطالب درباره این جریان‌ها یا اصلاً صحبتی نشده و یا به ندرت آن‌ها به اشاره ای گذرا بسنده شده است. در واقع پرداختن صرف منابع تاریخ نگاری آن دوران به حوادث و رویدادهایی چون جنگ و آشوب، کشتار و قحطی و در حد بسیار کم احوال اجتماعی مردم موجب فقر و کمبود مطالب تاریخی درباره پیشینه تاریخی این موضوع شده است. در مورد سایر منابع دیگر نیز همین حالت را شاهد هستیم. به این معنا که تذکره‌ها و منابع رجالی نیز بیشتر به زندگانی شخصی یک فرد توجه نموده و از بررسی جایگاه و اندیشه‌های او و تأثیرات آنان در دوران بعدی غفلت نموده اند. با این حال در منابع دست اول از دیدگاه جریان فکری مورد نظر می‌توان از این منابع یاد نمود که پیشینه و سابقه موضوع را می‌توان از آنها برداشت نمود: *رستم التواریخ* اثر محمد هاشم آصف به دلیل جامعیت و نگاهی فراگیر به رویدادهای آن دوران هم در بحث اوضاع سیاسی و هم فرهنگی، با احتیاط و دقت در مطالب آن منبعی قابل توجه است. *ریاض العارفین* رضا قلی خان هدایت در جمع آوری احوال عرفا، ادیبان و صوفیان شاعر پیشه تنها از بُعد ادبی اثری قابل اعتنا و درباره پیشینه موضوع تحقیق مطالبی را شامل می‌شود. همین نظر را در مورد کتاب *طرائق الحقایق* معصوم علیشاه که از منابع مهم دوران زندیه است می‌توان ابراز نمود.

آثار زین العابدین شیروانی شامل *بستان السیاحه*، *ریاض السیاحه* و *حدیقه السیاحه* نیز مطالب مفیدی به دست می‌دهد. اما تمامی این منابع چنان که اشاره شد از یک بُعد به موضوع مورد نظر خود نگرسته و لذا به منبعی که همه سویه به این موضوع پرداخته باشد، دسترسی نیافتیم.

در مورد تحقیقات و پژوهش های اخیر نیز علی رغم اهمیت فوق العاده موضوع تاکنون تحقیق و پژوهشی علمی و تاریخی به شکل مستقل صورت نگرفته است. تنها در برخی از آثار به شکل فرعی و حاشیه ای به موضوع پرداخته شده است. در این زمینه می بایست به کتاب تحلیلی ساختار نهاد و اندیشه دینی در عصر صفوی نوشته منصور صفت گل اشاره کرد که جریان های مطرح شده در موضوع رساله حاضر شباهت هایی با آن کتاب دارد. اما نکته مهم این است که این کتاب به جریان های اواخر عصر صفوی پرداخته و اصلاً به سرنوشت این جریان ها در دوره پس از سقوط به جهت آنکه خارج از موضوع کتاب است نپرداخته است. کتاب محمد ابراهیم جناتی تحت عنوان *ادوار فقه در ایران* مطالبی در مبحث جریان فقهی موضوع رساله دارد که مطالبی به عنوان پیشینه فقهی موضوع در اختیار قرار می دهد. با این حال در مآخذ تحقیقاتی نیز اثر قابل توجهی تاکنون نوشته نشده است. توضیح بیشتر و دقیق تر در مورد پیشینه این تحقیق در مبحث شناخت و بررسی منابع و مآخذ به تفصیل مطرح می شود.

۱-۳- اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی جریان های فکری اصفهان در ابعاد فقهی، فلسفی، عرفانی و ادبی در دوره بین سقوط صفویه تا برآمدن قاجار (۱۱۳۵ - ۱۲۱۰ ق) با توجه و تاکید بر دیدگاه تاریخی می باشد. پژوهش هایی که درباره تاریخ اصفهان صورت گرفته بیشتر به زوایای سیاسی و اجتماعی آن پرداخته است. لزوم توجه به مقوله های دیگر تاریخی چون رجال شناسی، معرفی آثار و اندیشه های آنان در ابعاد ادبی، فرهنگی، فقهی و عرفانی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف از این تحقیق بررسی این ابعاد تاریخ اصفهان است. دسترسی به این اهداف نیز مستلزم انجام تحقیق میان رشته ای است تا با کنار هم قرار دادن داده های متون مختلف و سپس ارائه تحلیلی از کمیت مساله به اهداف خویش دست یافت.

سازمان دهی تحقیق حاضر در پنج بخش اصلی سیاسی، فلسفی، عرفانی، فقهی، ادبی با رویکردی تاریخی به موضوع است. مهم ترین اهداف تحقیق بر اساس این محورها عبارت است از:

۱- تبیین دوره ایی مهم از تاریخ فرهنگی اصفهان که نسبت به دوره قبل خود اهمیت و جایگاه برجسته خویش را به عنوان پایتختی ایران از دست داده است و شرح موقعیت و جایگاه این شهر در دوره تاریخی مورد نظر (۱۱۳۵ - ۱۲۱۰ ق)

۲- تبیین جریان های فکری تعیین کننده و مؤثری که مورد فراموشی و غفلت قرار گرفته و لزوم بازشناسی و مطرح کردن این جریان ها لازم و ضروری است.

۳- تبیین و تشریح کامل هر یک از جریان های فکری دوره تاریخی مورد بحث با تاکید بر این هدف که هر کدام از این جریان ها نشأت گرفته از دوره قبل خود (دوران صفویه) بوده و در دوره تاریخی پس از موضوع تحقیق (دوره قاجار) نیز تداوم یافته اند.

۴- تبیین و شرح شکل، ماهیت و سازمان بندی هر کدام از جریان های فکری این دوره.

۵- شرح و تحلیل دلایل نوسان و شدت و ضعف این جریان های فکری در دوره تاریخی مورد نظر.

۶- تبیین و کنکاش در زمینه شناخت چالش های فکری و فرهنگی موجود در اصفهان این دوره و شناخت اندیشمندان حاضر در این عرصه.

۱-۴- اهمیت و ارزش تحقیق

اولین نکته مهم درباره این تحقیق چند بُعدی و فراگیر بودن دامنه شمول آن در رشته های مختلف فقهی، فلسفی، ادبی و عرفانی با رویکردی تاریخی بر آنها است. همین میان رشته ای بودن و تلفیق دیدگاههای مختلف بر اساس یک دیدگاه مشخص تاریخی اهمیت پژوهش مورد نظر را به خوبی اثبات می نماید. چراکه درباره این مطلب هم از نظر موضوع و هم از نظر دوره زمانی که کمتر مورد بحث و پژوهش بوده، خلاء آشکاری در پژوهش های تاریخی به چشم می خورد.

همین نکته یعنی تازگی و نو بودن، نگرشی جدید بر دوره تاریخی مورد بحث می دهد. جریان های فکری مورد توجه در این رساله، در ابتدای ورود به تاریخ معاصر حضور داشته و دارای کارکردهای مختلفی از جمله در عرصه های فلسفی، فقهی، عقیدتی و فرهنگی بوده و تحولاتی را در این حوزه ها موجب شده است. توجه به این نکته هم مهم است که جریان های فکری این دوره در واقع حلقه ارتباطی جریان های فکری دوران صفویه به دوران قاجار است. درک این واقعیت که جریان های فکری عصر صفوی تا دوره قاجار چه فرازونشیبی داشتند، بر اهمیت و توجه به این تحقیق می افزاید. اگر اقدامات فکری بزرگان قرن دوازدهم هجری نبود، بدون تردید حیات فکری قرن سیزدهم در ادامه مسیر به جلوی خود با چالش ها و موانع جدی و اساسی مواجه می شد.

طرح سوالاتی از این قبیل، زمینه تحقیق های جدیدی را پدید می آورد ارزش و اهمیت پژوهشی تاریخی را بیشتر می کند. اساس یک پژوهش تاریخی تنها کسب نتیجه مورد نظر از آن نیست، بلکه مهمتر از آن، طرح سوالات جدیدی برای تحقیقات بعدی است.

۱-۵- کاربرد نتایج تحقیق

این تحقیق تلاشی برای تبیین تحولات فکری دوره ای از تاریخ ایران است که یکی از حساس ترین برهه های تاریخی خود را پشت سر می گذارد و توجه به آن می تواند پاسخ گوی بسیاری از سؤالات در پژوهش های تاریخی باشد. کاربرد این تحقیق را چنین می توان عنوان نمود که بخش مهمی از تحولات فکری ایران در ابتدای دوره معاصر (قرن نوزدهم میلادی / سیزدهم هجری) ریشه در جریان های فکری قرن دوازدهم داشته و شناخت این ریشه ها می تواند پاسخ گوی بسیاری از سؤالات در زمینه تحولات فکری دوره معاصر باشد. از مقوله های فکری مهم مطرح شده در جامعه کنونی ما چالش ها و مباحثات فراوانی است که در عرصه های فلسفی، فقهی، ادبی و تصوف که جامعه ما با آنها دست به گریبان است. با ریشه یابی و درک تاریخی شکل گیری و حیات آنان در دوره های مختلف تاریخی می توان پیش زمینه روشنی از وضعیت و سابقه تاریخی این جریان های فکری در اختیار محققین جهت تحقیقات در ابعاد مختلف جامعه شناسی تاریخی فراهم آورد. بدون تردید دگرگونی های فکری عصر حاضر ریشه در جریان های فکری دورانی دارد که سیمای نوین تاریخ معاصر ایران در حال شکل گیری و پایه ریزی بوده است.

توجه به نتیجه و حاصل جریان های فکری آن دوره تاریخی است که امروزه می تواند منجر به گشوده شدن افق های جدیدی در مورد وضعیت و جایگاه فلسفه، ادبیات، فقه و تصوف در جامعه کنونی ما می گردد و طی مسیر آینده را ممکن می سازد.

۱-۶- پرسش ها و فرضیه های تحقیق

الف) پرسش های تحقیق:

خواست اصلی تحقیق حاضر بررسی تاریخی جریان های فکری حاکم بر اصفهان قرن دوازدهم ق. / هیجدهم میلادی است. در قبال پرسش هایی که در این مورد مطرح است می بایست پاسخی به آن پرسش ها ارائه گردد. اگر چه پاسخ به پرسش ها در علوم انسانی هرگز مطلق و کامل نیست. با این حال با استناد به شواهد و مدارک به ارائه استدلال ها و استنتاج هایی پرداخته می شود.

- ۱- سقوط اصفهان و آشفتنگی سیاسی پس از سقوط چه تأثیری بر جریان های فکری این شهر داشت؟
- ۲- جریان فقهی حاکم بر اصفهان قرن دوازدهم هجری / هیجدهم میلادی چه مسیری را طی نموده است؟
- ۳- مکتب فلسفی اصفهان عصر صفویه پس از سقوط این سلسله چه سرنوشتی داشت؟